

پانیوم — نمبر باره

دانیال ۱۱:۴۰ اور نبوت کے تین مہربند کھلے

Jeff Pippenger

2025-09-12

آیہ چهل دانیال یازده یکی از ژرف‌ترین آیات کتاب مقدس است. این آیہ نمایانگر گشوده شدن مہر کتاب دانیال در سال‌های ۱۷۹۸، ۱۹۸۹ و ۲۰۲۳ است. این سه بار که کتاب گشوده شد، پایان پراکندگی «هفت زمان» را نشان می‌دهد. سال ۱۷۹۸ نشانگر پایان دو هزار و پانصد و بیست سال پراکندگی بود که در ۷۲۳ پیش از میلاد آغاز شد، هنگامی که آشور ده قبیله شمالی را به اسارت برد. سال ۱۹۸۹ نشانگر پایان ۱۲۶ سال از زمان شورش ۱۸۶۳ بود، هنگامی که کلیسای ادونتیست روز هفتم رسماً «هفت زمان» را پایان بیست‌وشش را کنار نهاد. سال ۲۰۲۳ نشانگر پایان سه روز و نیم مکاشفه یازده بود، زمانی که دو شاهد آن مرده در کوچه افتاده بودند. در پایان ۲،۵۲۰ سال (۱۲۶ سال و ۳ روز و نیم—که همگی نمادهای «هفت زمان» هستند)، کتاب دانیال گشوده شد.

خواهر وایت به ما آگاه می‌سازد که در سال 1798 لازم بود وقایعی که با بسته شدن زمان آزمایش مرتبط بودند، به انسان‌ها ارائه شوند. هنگامی که او این حقیقت را ثبت می‌کند، در حال شناسایی تاریخ‌های موازی است، زیرا او همچنین پیام ایام آخر را به مثابه وقایعی که با بسته شدن زمان آزمایش مرتبط‌اند، به تصویر می‌کشد. او در سخن گفتن از تاریخ میلری چنین می‌نویسد:

«لازم بود که مردم نسبت به خطر خویش بیدار شوند؛ که برانگیخته شوند تا خود را برای رویدادهای خطیری که با پایان یافتن زمان آزمایش مرتبط است، آماده سازند.» نبرد عظیم، ۳۱۰.

او درباره ایام آخر چنین می‌نویسد:

«پیش از مصلوب شدنش، نجات‌دهنده برای شاگردان خود توضیح داد که او باید به قتل برسد و بار دیگر از قبر برخیزد؛ و فرشتگان حاضر بودند تا سخنان او را بر ذهن‌ها و دل‌ها نقش کنند. اما شاگردان در انتظار رهایی زمانی از یوغ روم بودند، و نمی‌توانستند اندیشه این را تحمل کنند که او که همه امیدهای ایشان بر او متمرکز بود، مرگی ننگین را متحمل شود. سخنانی که لازم بود به یاد آورند، از ذهنشان رانده شد؛ و چون زمان آزمایش فرا رسید، آنان را ناآماده یافت. مرگ عیسی امیدهای ایشان را به همان‌گونه به کلی نابود کرد که گویی او پیشاپیش ایشان را آگاه نساخته بود. بدین‌سان در نبوت‌ها نیز آینده به همان روشنی در برابر ما گشوده شده است که به وسیله سخنان مسیح در برابر شاگردان گشوده شد. رویدادهای مربوط به پایان زمان آزمون و کار آماده‌سازی برای زمان تنگی، به وضوح ارائه شده‌اند. اما انبوهی از مردم از این حقایق مهم بیش از آن آگاهی ندارند که گویی هرگز مکشوف نشده بودند. شیطان در کمین است تا هر تأثیری را که آنان را برای نجات حکیم سازد، بریاید؛ و زمان تنگی آنان را ناآماده خواهد یافت.» کشمکش عظیم، ۵۹۵.

پیام میلری در سال ۱۷۹۸ گشوده شد و «وقایع مرتبط با پایان زمان آزمایش» را ارائه کرد. هنگامی که او درباره ایام آخر سخن می‌گوید، تاریخ شاگردان را به کار می‌گیرد تا این حقیقت را نشان دهد که «وقایع مرتبط با پایان زمان آزمایش» همان اموری هستند که انسان را برای نجات حکیم می‌سازند، اما فهمیده نمی‌شوند. پیام‌هایی که در سال‌های ۱۷۹۸، ۱۹۸۹ و ۲۰۲۳ گشوده شدند، پیام‌هایی بودند که «وقایع مرتبط با پایان زمان آزمایش» را مشخص می‌ساختند.

چهل‌امین آیہ نمایانگر خطی تاریخی است که در آن کتاب دانیال سه بار از مہر گشوده می‌شود. در سال ۱۷۹۸، رؤیای دانیال درباره رود اولای، که نمایانگر فصل‌های هفت تا نه است، از مہر گشوده شد.

در سال ۱۹۸۹، رؤیای دانیال دربارهٔ رود حدّقل، که نمایانگر فصل‌های ده تا دوازده است، از مهر گشوده شد. در سال ۲۰۲۳، تاریخ پنهان آیهٔ چهل دانیال یازده از مهر گشوده شد.

تاریخ آیت چهل، ۱۷۹۸ سے لے کر آیت اکتالیس کے سنڈے لا تک کی نمائندگی کرتی ہے، جو ریاستہائے متحدہ کی تاریخ ہے، اور وہی مکاشفہ تیرہ کا زمینی درندہ، مکاشفہ سولہ کا جھوٹا نبی، اور بائبل نبوت کی چھٹی بادشاہی بھی ہے۔ دانی ایل گیارہ کی آیت چالیس میں جس ایک ہی تاریخ کی نمائندگی کی گئی ہے، اسی کی نمائندگی کتاب مکاشفہ میں بھی ایک ہی آیت میں کی گئی ہے۔

اور میں نے ایک اور حیوان کو زمین سے نکلتے دیکھا؛ اور اُس کے دو سینگ برّہ کی مانند تھے، اور وہ اژدہا کی طرح بولتا تھا۔ مکاشفہ ۱۳:۱۱۔

این آیه، همانند آیهٔ چهل، تاریخی است که با قوانین بیگانگان و فتنهٔ سال ۱۷۹۸ آغاز می‌شود و با قانون یکشنبه، هنگامی که آن ملت چون اژدها سخن می‌گوید، پایان می‌یابد؛ تاریخی که از زمانی آغاز می‌شود که روم پاپی از تخت فروگرفته می‌شود و زمانی پایان می‌پذیرد که روم پاپی دوباره بر تخت برقرار می‌گردد. تاریخی که هم در مکاشفہ ۱۳:۱۱ و هم در دانیال ۱۱:۴۰ به تصویر کشیده شده است، با برچیده شدن پنجمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس آغاز می‌شود و با برچیده شدن ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس پایان می‌یابد.

وہ "ستر" برس جن میں بابل نے بائبل کی نبوت کی پہلی سلطنت کے طور پر، بائبل کی نبوت کی دوسری سلطنت تک حکومت کی، آیت چالیس کی تاریخ کی نمائندگی کرتے ہیں، ۱۷۹۸ سے اتوار کے قانون تک۔

و در آن روز واقع خواهد شد که صور هفتاد سال، بر حسب ایام یک پادشاه، به فراموشی سپرده خواهد شد؛ و پس از پایان هفتاد سال، صور مانند فاحشه‌ای آواز خواهد خواند. بربطی برگیر، در شهر گردش کن، ای فاحشه‌ای که به فراموشی سپرده شده‌ای؛ نغمه‌ای دلنشین بنواز، سرودهای بسیار بخوان، تا به یاد آورده شوی. و واقع خواهد شد که پس از پایان هفتاد سال، خداوند از صور تفقد خواهد نمود، و او به مزد خویش بازخواهد گشت، و با تمامی مملکت‌های جهان بر روی زمین زنا خواهد کرد. اشعیا ۱۷:۲۳-۱۷.

تاریخ ۱۷۹۸ تا قانون یکشنبه، همچنین همان تاریخی است که در آن فاحشهٔ صور، چنان که در اشعیا بیست و سه ثبت شده است، به فراموشی سپرده می‌شود؛ جایی که این دوره به صورت «هفتاد سال» و به عنوان «ایام یک پادشاه» بیان شده است. از نبوکدنصر تا بلشصر، نخستین پادشاهی نبوت کتاب مقدس سلطنت کرد؛ و بدین سان نمونه‌ای از ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس گردید که با سیمای بره آغاز می‌شود، اما سرانجام همچون اژدها سخن می‌گوید. نبوکدنصر نماینده پیرو بره است و بلشصر نماینده پیرو اژدها.

تاریخ ۱۷۹۸ سے لے کر اتوار کے قانون تک، مکاشفہ چودہ کے تین فرشتوں کی تاریخ بھی ہے، جو میلرائیٹوں کی اصلاح سے شروع ہوتی ہے اور ایک لاکھ چوالیس ہزار کی اصلاح پر ختم ہوتی ہے۔ تین فرشتوں کا پیغام، عدالت کے وقت کا پیغام ہے۔ میلرائیٹوں نے ان واقعات کا اعلان کیا جو عدالت کے آغاز سے متعلق تھے، اور ایک لاکھ چوالیس ہزار ان واقعات کا اعلان کرتے ہیں جو مہلت آزمائش کے اختتام سے متعلق ہیں۔

رویدادہای مرتبط با ختم مہلت توبہ، بر خطوط داخلی و خارجی نبوت ترسیم شده‌اند، و این رویدادها در درجہ نخست در تاریخی که در آیهٔ چهل دانیال یازده بازنمایی شده است، رخ می‌دهند. رویدادہای آیهٔ چهل با قانون یکشنبه در ایالات متحدہ پایان می‌پذیرند؛ از این رو، رویدادہای گردآوری نہایی سایر فرزندان خدا کہ هنوز در بابل‌اند، در آیهٔ چهل بازنمایی نشده است؛ با این حال، بحرانی کہ آنگاہ جهان را

مواجه می‌سازد، تازه در ایالات متحده به پایان رسیده است. آن رویدادها داوری بر ایالات متحده و تطهیر کلیسای خدا را، پیش از آنکه کلیسا همچون علمی برافراشته شود، بازنمایی می‌کنند.

رویدادهای درونی مرتبط با پایان یافتن زمان آزمایش، کار مسیح را به‌عنوان کاهن اعظم در به انجام رساندن سر خدا در میان قوم روزهای آخر او مشخص می‌سازد. رویدادهای بیرونی، نقش ایالات متحده را در بازگرداندن قدرت به پاپیت مشخص می‌کند. تمامی تاریخ ایالات متحده به‌عنوان ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس، تمامی تاریخ لائودیکیه، در خلال تاریخی رخ می‌دهد که آیه چهل آن را نمایان می‌سازد.

خطوط داخلی و خارجی در آیه چهل به‌وسیله دو شاخ وحش زمین نمود یافته‌اند. شاخ جمهوری‌خواهی خط خارجی است و شاخ پروتستانیسم خط داخلی. هر دو خط در درون تاریخ پادشاهی ششم وجود دارند، و در پایان تاریخ پادشاهی ششم، داوری خدا بر هر دو شاخ پروتستان و جمهوری‌خواه وارد می‌شود. پیامی که رویدادهای مرتبط با بسته‌شدن زمان آزمایش را مشخص می‌سازد، همان پیامی است که رویدادهایی را مشخص می‌کند که بر ایالات متحده وارد می‌شوند، آنگاه که پیمانۀ زمان آزمایشی خود را پر می‌سازد. پیامی که رویدادهای مرتبط با بسته‌شدن زمان آزمایش را مشخص می‌سازد، همچنین همان پیامی است که رویدادهایی را مشخص می‌کند که بر آدونتیسم روز هفتم وارد می‌شوند، آنگاه که پیمانۀ زمان آزمایشی خود را پر می‌سازد.

در درون تاریخ آیه چهل، کتاب دانیال سه بار مُهرگشایی می‌شود، و هر یک از آن سه بار، خطی داخلی و خطی خارجی پدید می‌آورد که رویدادهای مرتبط با بسته‌شدن زمان فیض را ارائه می‌کند. هر یک از آن سه نشانه راه، پیش از خود با پراکندگی هفت‌باره همراه است. بنابراین آیه چهل نمایانگر تاریخ ۱۷۹۸ تا قانون یک‌شنبه است، و نشانه‌های راه نبوتی در درون آن تاریخ، همان «رویدادهای مرتبط با بسته‌شدن زمان فیض» هستند. در درون تاریخ آیه چهل، خط داخلی در آغاز، نمایانگر گذاری از فیلادلفیا به لائودیکیه است، و در پایان، نمایانگر گذاری از لائودیکیه به فیلادلفیا. آغاز، یک جنبش اصلاحی را نشان می‌داد، چنان‌که در مثل ده باکره به تصویر کشیده شده است؛ مثلی که جنبش اصلاحی پایان را نیز نمونه‌وار می‌ساخت، جنبشی که آن مثل را نیز به تمام معنا و به دقیق‌ترین وجه محقق کرد.

جنبش میلری فیلادلفیایی با تحقق «هفت زمان» لایوان بیست‌وشش در سال ۱۷۹۸ آغاز شد، و سپس با تحقق دیگری از «هفت زمان» در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴. دست‌کم تا سال ۱۸۵۶، هم جیمز وایت و هم خواهر وایت این جنبش را در وضعیتی لائودیکیه‌ای شناسایی کردند. در همان سال، نور جدیدی درباره «هفت زمان» در نشریه رسمی کلیسا ارائه شد که هرگز به پایان نرسید. «هفت زمان» در ۱۷۹۸ تحقق یافت، و پس از آن ویلیام میلر آنچه را که خواهر وایت «آغاز زنجیره حقیقت» نامیده بود کشف کرد، و آغاز زنجیره حقیقت همان «هفت زمان» بود. ۱۷۹۸ تحقق از «هفت زمان» بود، و پس از آن، هنگامی که کتاب دانیال گشوده می‌شود، میلر کشف بنیادین خود را درباره «هفت زمان» انجام می‌دهد. پس از آن، ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ تحقق دیگری از «هفت زمان» را رقم می‌زند، که به نوبه خود با گذاری در جنبش از فیلادلفیا به لائودیکیه دنبال می‌شود، در همان سالی که نور جدید درباره «هفت زمان» ناتمام رها می‌گردد. در سال ۱۸۶۳، آنچه تا ۱۸۵۶ جنبش میلری فیلادلفیایی بود، هنگامی که به جنبش میلری لائودیکیه‌ای انتقال یافت، به کلیسایی که به‌طور قانونی به ثبت رسیده بود تبدیل شد؛ عمدتاً تحت مقتضیات و فشارهای جنگ داخلی و به‌منظور حفاظت از جوانان کلیسا. جنبش در ۱۸۶۳، هنگامی که به یک کلیسا بدل شد، پایان یافت. هفت سال پیش از آن، در ۱۸۵۶، لائودیکیه پیامی از نور جدید را درباره همان موضوعی کنار نهاد که نخستین کشف نبوی ویلیام میلر بود.

جنبش میلری و نوری که «آغاز زنجیره حقیقت» خوانده می‌شود، یعنی نور «هفت زمان»، بر رهبری جنبش لائودیکیه گشوده شد؛ رهبری‌ای که به‌تدریج میل به پاسداری از «هفت زمان» را کنار نهاد، و در

پایان هفت سال («هفت زمان») در سال ۱۸۶۳، جدول تازه‌ای و پیام نبوی‌ای نو پدید آمد، بی‌آنکه هیچ اشاره‌ای به «هفت زمان» در آن باشد.

در سال ۱۸۶۳، پایان نبوت شصت و پنج ساله اشعیا درست در همان‌جا که آغاز شده بود به انجام رسید: با جنگی داخلی میان شمال و جنوب. مسئله برده‌داری در سال ۱۸۶۳ به واسطه به اسیری برده شدن هر دو پادشاهی شمالی و جنوبی، در تحقق «هفت زمان»، نمونه‌وار پیش‌تر ترسیم شده بود؛ و آن بندگی‌ای که اسرائیل بدان گرفتار شد، به درستی مسائل برده‌داری را در انتها بازنمایی می‌کرد. سال ۱۸۶۳ نمایانگر پایان ساختار نبوی مبتنی بر نبوت شصت و پنج ساله اشعیاست.

خداوندگار خداوند یون فرماتا: «یه قائم نه ہوگا اور نہ وقوع میں آئے گا۔ کیونکہ شام کا سر دمشق ہے، اور دمشق کا سر رزین ہے؛ اور پینسٹھ برس کے اندر افرائیم ایسا ٹوٹ جائے گا کہ وہ قوم نہ رہے گا۔ اور افرائیم کا سر سامریہ ہے، اور سامریہ کا سر رملیہ کا بیٹا ہے۔ اگر تم ایمان نہ لاؤ گے تو یقیناً تم قائم نہ رہو گے۔ یسعیاہ 7:9-9»

اگر این نبوت به درستی فهمیده شود، که آغاز آن در ۷۴۲ ق.م. است، سه نشانه راه را در درون یک بازه شصت و پنج ساله مشخص می‌سازد. دو تا از این نشانه‌های راه، نقاط آغاز دو هزار و پانصد و بیست سال اسارت و بندگی را برای هر دو پادشاهی شمالی و جنوبی اسرائیل تعیین می‌کنند. در ۷۴۲ ق.م. پادشاهی‌های شمالی و جنوبی درگیر جنگی داخلی بودند، و ده سبط شمالی با سوریه اتحادی بسته بودند تا به پادشاهی جنوبی یهودا یورش برند. نوزده سال بعد، در ۷۲۳ ق.م.، ده سبط شمالی به دست آشوریان به بندگی برده شدند. چهل و شش سال بعد، در ۶۷۷ ق.م.، آشوریان منسی را اسیر کردند و او را به بابل بردند. دو هزار و پانصد و بیست سال پس از ۷۲۳ ق.م. به ۱۷۹۸ می‌رسد، زمان آخر و آغاز آیه چهل. چهل و شش سال بعد، «هفت زمان» بر ضد پادشاهی جنوبی که در ۶۷۷ ق.م. آغاز شده بود، در ۱۸۴۴ به پایان رسید. نوزده سال بعد، در ۱۸۶۳، ویژگی‌های نبوی ۷۴۲ ق.م. به تمامی لفظ بازنمایی می‌شوند. در ۷۴۲ ق.م. و ۱۸۶۳، جنگی داخلی میان پادشاهی‌های شمالی و جنوبی در جریان است. در ۷۴۲ ق.م.، پیشگویی‌ای که به واسطه اشعیا به آواز شریر داده شد، درباره بندگی قریب الوقوع هر دو پادشاهی شمالی و جنوبی بود، و در ۱۸۶۳، دقیقاً در نقطه مرکزی جنگ داخلی، رئیس‌جمهور لینکلن اعلامیه آزادی بردگان را صادر کرد و فرایند پایان دادن به بردگی را آغاز نمود. هشداری که در ۷۴۲ ق.م. به آواز شریر داده شد، در سرزمین باشکوه تحت‌اللفظی داده شد که از پیامی حکایت می‌کرد که به واسطه لینکلن در سرزمین باشکوه روحانی داده شد.

هفت سال پس از آن که پیام‌های «هفت زمان» از سوی هیرام ادسن در سال ۱۸۵۶ منتشر شد، ادونتیسزم در سال ۱۸۶۳ نموداری پدید آورد که تعلیم میلری «هفت زمان» را حذف می‌کرد؛ و بدین‌سان انبوهی از عباراتی را که در آن‌ها الن وایت تعلیم می‌دهد که ما باید پیام‌های میلری‌ها را تکرار کنیم، و نیز در برابر حمله به آن پیام‌ها از آن‌ها دفاع نماییم، مورد تردید قرار داد. در همان سال، آنان به کلیسایی که به طور قانونی ثبت شده بود تبدیل شدند. مطالب بیشتری می‌توان درباره سال ۱۸۶۳ و دلالت‌های نبوی آن نوشت، اما آنچه من در اینجا خاطرنشان می‌کنم این است که چندین شاهد، هم درونی و هم بیرونی، وجود دارند که شورش سال ۱۸۶۳ را شناسایی می‌کنند، خواه شورش بیرونی با ایالت‌های جنوبی باشد، یا شورش درونی با رد نخستین حقیقت بنیادی. سال ۱۸۶۳ یکی از رخدادهای درون تاریخ آیه چهل است که نشانه‌ای را نمایندگی می‌کند که بخشی از «وقایع مرتبط با پایان زمان آزمایش» را تشکیل می‌دهد.

۱۸۶۳ با آغاز چهل سال بیابان‌گردی برای اسرائیل باستان تحت‌اللفظی هم‌راستا است. در پایان آن چهل سال، یوشع اسرائیل باستان را به سرزمین موعود داخل ساخت، و ایشان آریحا را فرو افکندند و بر هر که آریحا را از نو بنا کند لعنتی اعلام کردند. در ۱۸۶۳، رهبری ادونتیسزم لائودیکه آریحا را از نو بنا نهاد.

۱۸۶۳ در آغاز و انجام آن چهل سال بیابان‌گردی بازنمایی شده است. ۱۸۶۳ نشانه‌ای نبوی است که تاریخ خطوط خارجی و داخلی تاریخ آیه چهل را به یکدیگر پیوند می‌دهد. کلیسای هفتم در آنجاست، «کلیسایی داوری‌شده»، چنان که واژه «لائودیکیه» بدین معناست، که به دوره‌ای داخل می‌شود که با مرگ تمام یک نسل در بیابان بازنمایی می‌گردد. در همان نقطه، نخستین رئیس‌جمهور جمهوری خواه کار آزاد ساختن بردگان را آغاز می‌کند، و بدین‌سان نمونه پیشگویانه‌ای از آخرین رؤسای جمهور جمهوری خواه می‌گردد که در دوره‌ای از بحران، منتهی به آنچه الهام «ویرانی ملی» می‌خواند، حکومت نظامی را به اجرا خواهند گذاشت.

در نشانه‌های راه آغاز، نشانه‌های راه پایان بازنمایی شده است، و رویدادهای مربوط به اختتام داوری در رویدادهای مربوط به افتتاح داوری به صورت نمونه پیش‌نگاشته شد. عصیان در قادیش، در رد پیام یوشع و کالیب در آغاز چهل سال، نمونه‌ای بود از عصیان موسی در زدن صخره در قادیش در پایان چهل سال. سال ۱۸۶۳ حکم یکشنبه را مشخص می‌سازد؛ جایی که لائودیکیه از دهان خداوند قی می‌شود، و جایی که آن بیست‌وپنج مرد مشایخ در اورشلیم در حزقیال فصل هشت در برابر خورشید سجده می‌کنند، و جایی که شیلوه بر آنان که بر سخنان دروغین اعتماد می‌کنند تکرار می‌شود: «هیکل خداوند، هیکل خداوند، هیکل خداوند ما هستیم.»

ما این بررسی پانیوم را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.